





## محمد قاسم بن درویش محمد عصّار

کاتبی از زیارتگاه هرات در قرن دهم هجری

دکتر عارف نوشاهی<sup>۱</sup>

کاتبی یا خوش‌نویسی که اینک مورد بحث ماست، دربارهٔ او آگاهی‌هایی اندک و منحصر در دست است. تنها منبعی که وی را به ما می‌شناساند، سه نسخهٔ خطّی به قلم اوست که در زمان و مکان‌های مختلف به رؤیت نگارندهٔ این سطور رسیده است. کتب معروفی دربارهٔ خوش‌نویسان منطقه مانند *حوال و آثار خوش‌نویسان مهدی بیانی و صحیفهٔ خوش‌نویسان شاغل عثمانی* فاقد شرح حال اوست. شاید روزی نه تنها شرح حال او به دست آید، بلکه در کتاب‌خانه‌ای، نسخه‌ای یا نسخه‌هایی مزید بر این نیز دستیاب شود.

کاتب مورد بحث ما محمد قاسم بن درویش محمد عصّار است که در ۹۹۵ق. / ۱۵۸۷م. در قید حیات بوده و بودن او در قریهٔ «زیارتگاه» نیز مسلم است. در هر سه نسخهٔ خطّی ای که به قلم او به رؤیت نگارنده رسیده، نام او محمد قاسم بن درویش محمد عصّار ضبط شده است، نه کم و نه بیش. پدر او - درویش محمد - را دقیقاً نمی‌شناسیم، ولی کاتبی با نام درویش محمد بن امیر سرخ بن امیر شیخ محمد در حین حیات عبدالرحمان جامی در ۸۹۶ق. برخی مثنویات او را کتابت کرده و من این نسخهٔ خمسۀ جامی را در موزهٔ ملی پاکستان کراچی (شمارهٔ N.M. ۱۹۵۷-۱۰۴۸) دیده‌ام.<sup>۲</sup> چون محمد قاسم نیز علاقه به جامی داشته و *نفحات الانس* را کتابت کرده، یک گونه قرینهٔ پسندهای مشترک بین این دو کاتب دیده می‌شود. تنها اشکالی در پذیرفتن این امر که درویش محمد بن امیر سرخ می‌تواند پدر محمد قاسم باشد، این است که فاصلهٔ زمانی بین آنان دقیقاً صد سال است که فاصلهٔ زیادی بین دو نسل است.

۱. مدیر ادارهٔ معارف نوشاهی، اسلام‌آباد - arifnaushahi@gmail.com

۲. فهرست نسخه‌های خطّی فارسی موزهٔ ملی پاکستان کراچی، صص ۵۵۷، ۵۶۸، ۵۸۰، ۶۲۲، ۶۶۷.



نسبت «عصّار» با نام کاتب، اشاره به پیشه روغنگری او دارد. در قدیم بسیاری از عالمان و کاتبان «عصّار» پیشه بوده‌اند و این نسبت را با نام خود اظهار داشته‌اند.<sup>۱</sup> آیا محمدقاسم خود عصّار بوده یا پدرش یا لقبی از اجداد بوده؟ معلوم نیست، البته او خوش‌نویسی بوده و مهارتی در خط نسخ داشت، زیرا هر سه نسخه‌ای که به قلم او دیده شده به این خط است. نسخه‌های یادشده با سرلوح‌های مذّهب و حاشیه‌های طلایی است. اگر این آرایش‌ها را خود کاتب کرده باشد. او در کنار خوش‌نویسی، به فن تذهیب هم وقوف داشته‌است.

### زیارتگاه

محمدقاسم یکی از این نسخه‌ها را در قریه «زیارتگاه» کتابت کرده‌است. این امر دو احتمال را مطرح می‌کند. یکی این‌که کاتب فقط در هنگام کتابت این نسخه در زیارتگاه بوده، دو دیگر این‌که او در اصل ساکن و باشنده زیارتگاه است. احتمال دوم قرین به صواب است. دلیلش این است که هر سه نسخه‌ای که تا کنون به قلم او کشف شده، از مؤلفان هرات است. بنابراین می‌توان حدس زد که او علاقه ویژه‌ای به آثار ابنای وطن خود داشت و این قریه زیارتگاه همانا از توابع هرات باشد که امروز «زیارتجاه» خوانده می‌شود و در منابع قرن ۹ نام این محل بارها دیده می‌شود. ظاهراً کهن‌ترین منبعی که از قریه زیارتگاه نام می‌برد، وقف‌نامه شیخ زین‌الدین ابوبکر خوافی (د. ۸۳۴ق.) به سال ۸۱۲ق. است.<sup>۲</sup> فصیحی هروی ذیل حوادث سال ۸۲۹ق. در ضمن وفات قاری حافظ شرف‌الدین عثمان غزنوی نامی از این قریه برده است. «در قریه زیارتگاه دره مقام داشت و مصدر حقاظ هرات بود.»<sup>۳</sup> در ملفوظات خواجه عبیدالله احرار (د. ۸۹۵ق.) نیز دو بار از زیارتگاه یک بار از دهی در نزدیکی زیارتگاه که متعلق به شیخ زین‌الدین خوافی بود و بار دیگر سفر خواجه احرار به زیارتگاه هری ذکر رفته است.<sup>۴</sup> معین‌الدین اسفزاری نیز از زیارتگاه تعریف نموده و آن را «دارالعباده» گفته که همیشه مجمع اولیا و منشا علماست.<sup>۵</sup>



۱. ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن حسن عصّار جرجانی، از محدثان قرن دوم هجری معروف است. وی از همراهان امام احمد بن حنبل در سفرش به یمن بوده‌است. کاتبی از گلستان سعدی را می‌شناسیم که نام خود را عیسی بن مرحوم ابراهیم عرف عصّار نوشته‌است (فهرست نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۳، ص ۱۴۳۹).

۲. وقف‌نامه شیخ زین‌الدین خوافی، نسخه خطی کتابخانه گنج‌بخش، اسلام‌آباد، شماره ۳۸۲۴، ص ۲۳، متن این وقف‌نامه در مجله مشکوة، مشهد، شماره ۲۲، بهار ۱۳۶۸، صص ۱۸۷ - ۲۰۰ چاپ شده‌است.

۳. مجمل فصیحی، ذیل حوادث ۸۲۹.

۴. احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار، ص ۱۸۱، ۲۸۳.

۵. روایات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ج ۱، صص ۸۲ - ۸۳.



### سه نسخه خطی به قلم محمد قاسم زیارتگاهی

۱. مواهب علیّه یا تفسیر حسینی، تألیف ملا حسین واعظ کاشفی در ۹۹-۸۹۷ق.

نسخه‌ای از مواهب علیّه به شماره Pa 1 A/428 در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور دیده‌ام که محمد قاسم بن درویش محمد عصار آن را در ۱۰ رمضان ۹۹۵ هجری کتابت کرده است. نسخه به خط نسخ در ۴۷۰ ورق است و سرصفحه آن تذهیب معمولی دارد. این نسخه در تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۰۶ برای کتابخانه دانشگاه خریداری شد.<sup>۱</sup>

انجامه (ترقیمه) بدین عبارت است:

«تمّت الكتاب بعون الملك الوهاب، بتاريخ عاشر شهر رمضان المبارك ۹۹۵ کتبه العبد المذنب الراجی الی الله الغنی کمینه خاکسار و ذره بی مقدار، کم طاعت پر معصیت گناه کار و به کریمه «لا تقنطوا من رحمة الله» امیدوار، محمد قاسم بن درویش محمد عصار. غفر ذنوبه و ستر عیوبه. تمّ.

غریق رحمت رحمان کسی باد که کاتب را به اخلاصی کند یاد»

۲. نفحات الانس من حضرات القدس، تألیف عبدالرحمان جامی، به سال ۸۸۳ق.

این نسخه را در سال ۱۹۸۸م. در حین سفر به دهلی نزد حسن ثانی نظامی (د. ۲۰۱۵م.) متولّی درگاه خواجه حسن نظامی دیده بودم. نسخه به خط نسخ و در ۳۵۲ ورق است. در ابتدا فهرست مشایخ و سرلوح دارد. در خاتمه، کاتب این عبارت را در وصف نفحات الانس از نسخه منقول عنه آورده است:

«بر پشت کتاب نفحات الانس نوشته شده بود:

اما بعد این گل دسته‌ای ست از بهارستان احوال و مقامات ارباب ولایت چیده و نوباوه‌ای ست از باغستان اذواق و مواجید اصحاب کشف و کرامات رسیده، تحفه صف نشینان مجلسی می‌گردد که اگر آن را قبله اقبال مقبلان خوانند رواست و اگر کعبه آمال صاحب‌دلان گویند به آن سزااست. هر جا که کار فرو بسته‌ای در بند گشادی می‌شود، بار سفر آن جا می‌بندد و هر کجا سر رشته گسسته‌ای پیوند مرادی می‌خواهد رشته امل به آن جا می‌پیوندد. امیدواری چنان ست که چون ازین گل دسته بویی به مشام جان، یا از این نوباوه چاشنی‌ای به کام ذوق و وجدان ایشان رسد.

۱. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور پاکستان، ج ۱، ص ۳۸۵.







از بوی گل به جانب گلشن کنند روی  
هر سو ز طعم میوه شتابند باغ جوی  
بینند باغ را اثر لطف باغبان  
با باغبان کنند ز گلزار و باغ روی

لایزال ساحت آن مجلس عزّ و جلال به نظرات لطف ایزد تعالی محفوف باد و آفت عین الکمال  
از جلوۀ آن جاه و جلال مصروف. والسّلام.

آن بزم کرم که جای جانان آن جاست  
دشواری روزگار آسان آن جاست  
جان را نبود خلاصه‌ای غیر سخن  
گر من دورم، خلاصه‌ی جان آن جاست<sup>۱</sup>  
گریق رحمت رحمان کسی باد  
که کاتب را به اخلاصی کند یاد

کتبه العبد المذنب الراجی الی الله الغنی بعون الله تعالی کمینه خاکسار و ذره بی مقدار،  
کم طاعت گناه کار و به کریمه «لا تقنطوا من رحمة الله» امیدوار، محمدقاسم بن درویش محمد  
عصّار، فی قریة زیارتگاه حمیت عن الآفات. تم<sup>۲</sup>.

۳. *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تألیف معین الدین زمجی اسفزاری در سال‌های  
۹۹-۸۹۷ق.

این نسخه را چند سال پیش در کتاب‌خانه بیدل، واقع در شرف‌آباد کراچی (بدون شماره) کشف  
کردم. این کتاب‌خانه عمومی غیردولتی شهرت و تخصص آن در پاکستان، به دلیل داشتن آرشیو  
نشریات ادواری شبه قاره است. در این کتاب‌خانه علاوه بر مجلات، تعدادی نسخه خطی نیز  
بدون ثبت در دفتر و هیچ‌گونه هویتی افتاده بود. یکی یکی نسخه‌ها را زیر و رو کردم که به ناگاه در  
میان آن‌ها نسخه روضات جلب توجه کرد.

این نسخه در ۴۵۵ صفحه و به خط نسخ کتابت شده است. در آغاز سرلوح لاجوردی دارد.  
ترقیمه (انجامه) نسخه بدین عبارت است:

«تمت الكتاب بعون الملك الوهاب، کتبه العبد المذنب الراجی الی الله الغنی، کمینه خاکسار و  
ذره بی مقدار و به کریمه «لا تقنطوا من رحمة الله» امیدوار، محمدقاسم بن درویش محمد عصّار.

۱. عبارتی که در وصف نجات آمده، از خود جامی است که بر پشت نسخه نجات نوشته بود و در رساله منشآت او نیز آمده است.  
محمود عابدی این عبارت را از منشآت او نقل کرده است. رک: *نجات الانس من حضرات القدس*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات  
محمود عابدی، مؤسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳، قبل از «آغاز سخن». ولی نامه‌ها و منشآت جامی، تصحیح عصام‌الدین اورون  
بایف و اسرار رحمانوف، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۸ فاقد این عبارت است.  
۲. نوشاهی، عارف، سیه بر سفید، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷.



تصویر ۱: مواهب علیّه (تفسیر حسینی)، دانشگاه پنجاب، لاهور، صفحه آغازین

غریق رحمت رحمان کسی باد که کاتب را به اخلاصی کد یاد»

در ظهر نسخه یادداشتی به زبان انگلیسی دارد:

*Rawdāhu'l jannat*, History of the City of Heart by Mu'in az-Zamjiul asfazari  
Scribed by Muhammad Qasim b. Darwesh Muhammad 'Aṣṣār.

زیرش امضا دارد به انگلیسی با تاریخ ۹/۹ بدون رقم سوم که مشعر به سال باشد، ولی احتمالاً

نامه یاسنغر، شماره دوم، ۱۳۹۹ خورشیدی



تصویر ۲: مواهب علیّه (تفسیر حسینی)، دانشگاه پنجاب، لاهور، صفحهٔ واپسین

سدهٔ نوزدهم یا بیستم است. بالای سرلوح امضای Gore Ouseley دارد.

۱. احتمالاً سرگور اوزلی (۱۷۷۰-۱۸۴۴ م.) مترجم، زبان‌دان و سفیر انگلیس در زمان خدمت به حکومت بریتانیا، او مدتی در لکهنو و دوست نواب سعادت‌علی خان (حک: ۱۷۹۸-۱۸۱۴ م.) بود. در سال‌های ۱۸۱۰-۱۸۱۴ م. سفیر بریتانیا در ایران بود و در امضای عهدنامه گلستان نقش مهمی ایفا کرد. برادر او ویلیام اوزلی (۱۷۶۷-۱۸۴۲ م.) نیز شرق‌شناس بود و در دوران سفارت برادرش همراه او در ایران بود. از تألیفات ویلیام *Persian Miscellanies* (چاپ لندن، ۱۷۹۵ م.) دستورالعملی برای خواندن نسخه‌های خطی فارسی است.





بِسْمِ اللَّهِ الْكَرِيمِ الْكَلِيمِ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ سِياس و ستایش  
 مالک الملکی را من است که شهر بند بدن انسا تو که تختگاه پادشاه عرفان است  
 چهار بازار عناصر پنج دروازه جواس بیاراست و جوی اقطار اقطار  
 قدرتش از سخاب نیسان ارازیت باران گشت قباب عباب سان اقلان از شهری  
 بخار فطرت بهوای مشیت او بزخواست **امیر خسرو** ز بحر صنع حیا پست چند است بقا  
 که پیش دیده مانده سپهر دوار است ز لب و کل تن مردم جو قاعه آگ است **بمنکل تن**  
 بمعنی جهان اسرار است در و کشیده ز عنبر چهار بازاری که رخت هر دو جهان  
 بخار بازار است دانایی که معماریتد پیرش در میان خطه وجود و عدم فصیلی  
 بر کشید توانای که دست تقدیرش بزود بازوی قدرت چهار ارکان عالم را  
 پی بنجه و ساعد و مدد کار و مساعد بر همه پیچید یکانه که از دو حرف کاف و و  
 سه موالبینجماد و نبات و حیوان آفرید و از منبراج چهار امهات که پنجم  
 نداردش جهت هفت اقلیم را چون هشت بهشت آراسته گردانید و در پست  
 رفعت خاک نشینان مرکز سفر را از فرزانة طاهر علوی بد مرتبه بگذرد

نامه یاسنغر، شماره دوم، ۱۳۹۹ خورشیدی

تصویر ۳: روضات الجنات، نسخه کتابخانه بیدل، کراچی، صفحه آغازین





هرشادی که فتنه زما فوت کرده بود **آنرا بیک لطیفه قضا کرد و فرمود**  
 لب غنچه امرا از نشاط چون دهان گل بجنده در آمد و چهره شاهد مانی از فرج  
 مانند خورشید درخشان بر افروخت نهال آمل مریقان معارج دین اسلام از  
 سدره المنتهی در گذشت و رایت اقبال مقدمات منافع شریعت بنوی علیہ  
 الصلوة والسلام بذروه و ما منّا الا له مقام معلوم سر کشید لاجرم رعایا و برایا  
 چنان بزراعت و عمارت مشغول و مشغوف گشتند که از مرغزار و سنکستان هیچ  
 جانماند که مزعه و باغستان نکشت در تمام بوادی و صحراوات هر چند مواضع  
 یابس و راضی اموات بود از احداث انهار و اجراء قنوات احیایافت از جمله  
 آنکه از خطه مرعاب تا مرو شاهجان قریب بسی فرسخ صحرای موات فاصله بود  
 و از مرو اسرخس بیست و پنج فرسخ صحرای موات دیگر درین آیام همایون فواصل  
 تمام مزروع و معمور گشته چنانچه بیکدیگر متصل شده و در بیان این حال  
 ابن رباعیه مؤلف را اتفاق افتاده **رباعی** ای ملک زجوی بار عدلت  
 سپراب **باران ز کفت جود جو باران سحاب در در تو هر چند بجویند ملک**  
**جز خانه دشمنت نیابند خراب** تمت الکتاب بعون الملك الوهاب

کتبه العبد المذنب الراجی الی الله العتی کسینه خاکسار و ذره  
 بمقدار و بکر میلا تقنطوا من رحمة الله امیدوار  
 عزیز رحمت الرحمن کسی باد  
 محمد قاسم بن درویش محمد عصار  
 غفر ذنوبه  
 که کاتب با خلاصی کند یاد

نامۀ بایسنقر، شماره دوم، ۱۳۹۹ خورشیدی

تصویر ۴: روضات الجنات، نسخه کتابخانه بیدل، کراچی، صفحه واپسین



## استدراک

در کتاب‌خانه مرادملا، استانبول، با شماره ۱۵۴۸ نسخه خطی تذکرة الاولیاء عطار به خط نستعلیق موجود است که در خاتمه ناقص است و تاریخ کتابت ندارد. پس از کتاب تذکره، اوراقی چند به قلمی دیگر که حاوی مطالب عربی است نیز درین مجلد آمده که برخی به خط نستعلیق و برخی دیگر به نسخ است. همان‌جا مطلبی با عنوان فضیلة للمحافظة على الصلوة الخمس در دو صفحه دارد بدین ترقیمه:

«قد فرغ هذا الكتاب على يد اضعف العباد درویش قاسم بن درویش محمد عفا الله ذنوبهما فی سنة ۹۵۱ق.»

چون نام کاتب و روزگارش شباهت با کاتب مورد بحث ما دارد این نکته را متذکر شده‌ایم. ولی گفتنی است که در نسخه استانبول، حرفه و محل سکونت کاتب ذکر نشده است. هم‌چنین در نسخه‌هایی که ما قبلاً متذکر شده‌ایم، در آن‌جا نام او محمد قاسم دارد ولی در این‌جا درویش قاسم است.

نسخه استانبول را توفیق هاشم‌پور سبحانی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتاب‌خانه‌های ترکیه (ص ۵۱۷) متذکر شده است و نگارنده این سطور نسخه را رؤیت نموده است.

## منابع

- اسفزاری، معین‌الدین، (۱۳۳۸)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تصحیح سید محمد کاظم امام، ج ۱، تهران: دانشگاه.
- جامی، عبدالرحمان، (۱۳۷۳)، *نفحات الانس من حضرات القدس*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران: مؤسسه اطلاعات.
- خوافی، فصیح‌احمد، (۱۳۸۶)، *مجمعل فصیحی*، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی ۳ جلد، تهران: اساطیر.
- نوشاهی، عارف، (۱۳۹۰)، *سیه بر سفید*، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۶)، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی پاکستان*، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰)، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور پاکستان*، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.





- \_\_\_\_\_، (۱۹۸۳ م.)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان کراچی، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- نیشابوری، میر عبدالاول و مولانا شیخ، (۱۳۸۰)، احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار، تصحیح و با مقدمه و تعلیقات عارف نوشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هاشم‌پور سبحانی، توفیق، (۱۳۷۳)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتاب‌خانه‌های ترکیه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.